**نگاهی به رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش‌ اثر رضا براهنی**

**ترانه جوانبخت**

رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش نوشته رضا براهنی یک رمان قطعه قطعه است که به صورت غیر خطی پیش می‌رود و نویسنده در بخش‌هایی از رمان حضور دارد. بنایراین نوشتن این رمان نوشتن قصه نیست بلکه نوشتن قصه نوشتن است و این که نویسنده چطور در متن نوشته این قصه نوشتن را برای خواننده می‌نویسد. قطعه‌های رمان از نظر زمانی مکانی و روایی از هم متفاوت هستند ولی با تشکیل قطعه‌های جدید رمان به یکدیگر می‌پیوندند.

شخصیت‌های مهم رمان عبارتند از: آزاده خانم زن بیب‌اوغلی، دکتر شریفی، بیب‌اوغلی، پسر عمه دکتر شریفی و سرهنگ شادان. شخصیت اصلی رمان یعنی آزاده خانم یک تصویر اسکیزوفرن است که در متن رمان به تصاویر قطعه قطعه شده دیگر از جمله ناسنتکا دختر روسی که منتظر فدور است، رقاصه یک معبد و دیگر تصاویر تکثیر شده است. آزاده خانم به عنوان شخصیت اصلی رمان در مرکز رمان قرار ندارد بلکه با تبدیل شدن مکرر به این تصاویر به حاشیه می‌رود تا مرز خیال و واقعیت در رمان از بین برود و بخش‌هایی از رمان که واقعیت ندارد جنبه واقعی به خود گیرد.

در بخشی از رمان شعری از براهنی آمده که در آن نویسنده رمان اعضای بدنش از جمله دستها و پاهایش را به آزاده خانم می‌دهد تا تصویر قطعه قطعه شده او در رمان شکل گیرد. این مورد تلفیق روح نویسنده و شخصیت اصلی داستان را رقم می‌زند. از آن جایی که در بخش دیگر رمان نویسنده اشاره می‌کند که در هر شاعری زنی وجود دارد چه شاعر مرد باشد چه زن و چون شاعرانگی نشانه دیوانگی است بنابراین نویسنده رمان که شاعر این شعر در متن رمان نیز هست دیوانگی را به شخصیت اصلی رمان منتقل می‌کند.

وجود یک زن در شاعر مرد یا زن مطابق با این تئوری است که هویت جنسی معنا ندارد و جنسیت به صورت زنیت مرد و مردیت زن نمود پیدا می‌کند. بنابراین جنسیت شخصیت‌های داستان می‌تواند تغییر کند و لزومی برای ثابت نگه داشتن آنها در طول داستان نیست. به عبارتی دیگر مطلقا مرد یا زن بودن معنی ندارد و شاعر مرد به دلیل زنیت‌ای که در درونش است شعر می‌سراید.

نویسنده رمان در بخشی از داستان شخصیت اصلی داستان یعنی آزاده خانم را در مقابل نویسنده‌اش یعنی شریفی قرار می‌دهد. آزاده به شریفی می‌گوید که از یک مکان خالی عکس بگیرد. شریفی که تعجب کرده ابتدا سر باز می‌زند اما به اصرار آزاده شروع به عکس گرفتن می‌کند. او دوازده عکس می‌گیرد و به دیدن عکس‌ها می‌پردازد. هر یک از عکس‌ها بخشی از بدن یک نفر است. عکس آخر از کسی است که به گفته آزاده شریفی نام دارد و خود شریفی به دنبال این فرد بوده است. شریفی به عنوان نویسنده‌ای که نویسنده رمان او را نوشته است خودش به عنوان نویسنده آزاده خانم توسط او هدایت می‌شود و به عبارتی نوشته می‌شود چرا که تعیین تکلیف آینده او به دست موجود نوشته شده که آزاده است صورت می‌گیرد و در عین حال این اوست که پایان زندگی آزاده را با نوشتن داستان رقم می‌زند. بنابراین نمی‌توان گفت آینده داستان را فقط نویسنده آن نوشته یا شخصیت اول آن چرا که اتفاقاتی که در داستان روایت می‌شود توسط هر دویشان است و اینجاست که نویسنده رمان نقشی مکمل به این دو نفر داده است.

برگشت آزاده خانم به زمان‌های گذشته که در تصاویر دیگر داستان از جمله ناسنتکای روس و زنی پیش از هجرت نمود می‌یابد نفی زمان است. شاعرانگی وی در به کار بردن زبان دیوانگی متبلور می‌شود زبانی که در متن رمان به صورت کلمات نامفهوم برای خواننده رمان ظاهر می‌شود. بنابراین زنانگی در رمان نشانه دیوانگی است و به صورت زنی در وجود یک شاعر بروز می‌کند. شخصیت دیگر رمان مادر دکتر شریفی که در اواخر عمر در یک آسایشگاه بستری است نیز دچار اختلال حواس و دیوانگی است.

در رمان آزاده خانم ونویسنده‌اش زمان‌ها در هم شخصیت‌ها در هم و حوادث در هم ادغام می‌شوند. رفت و برگشت از زمان حال به گذشته و از گذشته به حال تکرار می‌شود و با این تکرار مرز خیال و واقعیت از بین می‌رود. نماندن رمان در یک زمان باعث غیر خطی بودن آن می‌شود و اگرچه بر پیچیدگی روایت می‌افزاید اما قصه را برای خواننده جذاب‌تر می‌کند.

آنچه در این رمان واضح است وحشتی است که در سراسر داستان به چشم می‌خورد و با تعلیمی سرهنگ شادان نمود پیدا می‌کند. آزاده خانم با تعلیمی شوهرش بیب‌اوغلی زخمی و کشته می‌شود. از او پرسیده می‌شود که چطور کشته شده؟ و او جواب می‌دهد: با تعلیمی بیب‌اوغلی در رحم‌اش. آزاده خانم در جواب این سئوال که چه کسی او را کشته؟ می‌گوید: دای‌اوغلی (یعنی شریفی) با نوشتن داستان او را کشته.

زبان در رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش با زبان دیگر رمان‌های فارسی تفاوت دارد. بیب‌اوغلی یکی از شخصیت‌های داستان واژه غیرمحال را می‌سازد. این واژه نو در قسمت‌های مختلف داستان به کار می‌رود. زبانیت زبان که براهنی آن را در این رمان جستجو کرده و به کار برده با معناگیری زبان فرق می‌کند. این زبانیت در اختلال زبان شخصیت‌ها از جمله بیب‌اوغلی و مادر شریفی پدیدار می‌شود. در واقع با تغییر زبان شخصیت‌های داستان از طریق ایجاد اختلال در زبان‌ها زبانیتی جدید خلق می‌شود.

از این رو زبان در رمان آزاده خانم و نویسنده‌اش زبانی نو و متفاوت از دیگر رمان‌های فارسی است

ساختارشکنی و پلی‌فونی (چند صدایی) از ویژگی‌هایی است که هر دو در این رمان وجود دارد. ویژگی دیگر تصویر اسکیزوفرن آزاده خانم است که در افراد مختلف پراکنده می‌شود. بنابراین این رمان یک رمان پست مدرن است. با توجه به این موارد در مجموع می‌توان گفت که فرم، ساختار زبان و قرارگیری شخصیت‌ها در این رمان متفاوت از دیگر رمان‌های فارسی است.

منبع: آزاده خانم و نویسنده اش- رضا براهنی- انتشارات کاروان- چاپ دوم- ۱۳۸۱ -تهران